

بررسی نقاط قوت و ضعف آموزش مهارت‌های کارآفرینی بر اساس نظریه محدودیت و سازش گاتفردسون از دیدگاه دانشجویان

کاترین فکری^۱

عبدالله شفیع آبادی^۲

رحمت الله نورانی پور^۳

قدسی احقر^۴

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی نقاط قوت و ضعف آموزش مهارت‌های کارآفرینی بر اساس نظریه محدودیت و سازش گاتفردسون از دید شرکت‌کنندگان در دوره آموزشی بود. روش پژوهش نیمه‌آزمایش یا پیش‌آزمون-پس‌آزمون و گروه کنترل بود. ۳۰ نفر از دانشجویان داوطلب شرکت در کلاس‌های کارآفرینی واحد علوم و تحقیقات که نمرات کمتری در پرسشنامه مهارت‌های کارآفرینی داشتند به تصادف انتخاب و در دو گروه آزمایش و کنترل جایگزین شدند و گروه آزمایش ۸ جلسه آموزش مهارت‌های کارآفرینی دریافت کرد. مقایسه دو گروه نشان داد دوره آموزشی مبتنی بر نظریه گاتفردسون در افزایش مهارت‌های کارآفرینی اثر داشته و اکثر شرکت‌کنندگان اثربخشی این دوره را در آموزش مهارت‌های کارآفرینی زیاد و خیلی زیاد دانسته‌اند. بنابراین، نتیجه گرفته می‌شود که نظریه گاتفردسون می‌تواند به عنوان یکی از روش‌های آموزش مهارت‌های کارآفرینی مورد توجه و بررسی بیشتر قرار گیرد.

واژگان کلیدی: مهارت‌های کارآفرینی، نظریه محدودیت و سازش گاتفردسون، دانشجویان

۱. دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، Email: katrin_fekri@yahoo.com

۲. استاد دانشگاه علامه طباطبایی

۳. دانشیار دانشگاه شهید بهشتی

۴. دانشیار پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش

دریافت مقاله: ۹۱/۷/۱۰ تصویب نهایی: ۹۱/۱۱/۲۰

مقدمه

هر جوانی با سه چالش مهم در زندگی روبروست که عبارتند از: تحصیل، اشتغال و ازدواج. اشتغال بخش مهمی از هستی انسان است و اشتغال مناسب نقش مهمی در تأمین نیازهای جسمانی و نیازهای روانی انسان از جمله احساس ایمنی، ارزشمندی و هویت ایفا می‌کند. برای مثال نتایج پژوهش‌های اهلا^۱ (۲۰۰۵ : ۶۲-۵۵)؛ بروم^۲ (۲۰۰۶ : ۵۸۶-۵۷۵)؛ کیم^۳ (۲۰۰۶، ۵۷۴-۵۶۶)؛ گریفین^۴ (۲۰۰۷ : ۳۴۹-۳۳۴)؛ و لی^۵ (۲۰۰۹ : ۱۵۴-۱۴۶) نشان می‌دهد که بین درآمد، شرایط محیط کار و رضایت شغلی با سلامت روان ارتباط مثبت و بین فرسودگی شغلی، کمبود امنیت شغلی و بیکاری با سلامت روان ارتباط منفی وجود دارد. به همین دلیل انسان‌های بیکار به خاطر عدم تأمین نیازهایشان غالباً به سوی انحراف، بزهکاری، اعتیاد، سرقت، خودکشی، تهاجم، خرابکاری و حتی قتل روی می‌آورند و سعی می‌کنند تا به هر طریق برای خود هویتی هرچند منفی و مخرب کسب کنند.

اشتغال با دو چالش مهم دیگر دوره جوانی یعنی تحصیل و ازدواج نیز ارتباطی تنگاتنگ دارد. تحصیل دو هدف عمده را دنبال می‌کند یکی سوق دادن فرد به سوی زندگی بهتر و دیگری کسب شغل. گرچه گروهی از افراد تحصیل کرده تنها به هدف اول می‌اندیشند اما اکثراً دانش‌آموختگان مایلند که بتوانند شغلی متناسب با تحصیلات خود کسب کنند و چنانچه نتوانند در این زمینه به موفقیت برسند احساس ناامیدی و افسردگی می‌کنند و سرمایه و وقت خود را از دست رفته می‌بینند. ازدواج نیز تنها در سایه داشتن شغلی مناسب با موفقیت توأم خواهد بود. بررسی آمار طلاق و جدایی به خوبی نشان می‌دهد که بیکاری نقش انکارناپذیری در از بین بردن عشق و علاقه بین همسران و گسستن پیوند زناشویی آنان ایفا می‌کند. لذا لازم است که مسئولان محترم دولت توجه جدی به مسأله اشتغال جوانان مبذول کنند. علاوه بر این، مسئله بیکاری به دلیل افزایش جمعیت جوانان، رشد و پیشرفت تکنولوژی و به تبع آن جایگزین شدن ماشین‌آلات صنعتی به جای نیروی انسانی، ناهماهنگی بین نیازهای بازار کار با آنچه در نظام آموزشی تدریس می‌شود، پایین بودن نرخ سرمایه‌گذاری یا عدم استفاده مطلوب از سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده در کشور، کمبود تخصص و مهارت نیروی کار،

-
1. Ahola
 2. Broom
 3. Kim
 4. Griffin
 5. Lee

ضعف برنامه‌ریزی صحیح در جهت توسعه اقتصادی، ضعف فرهنگ کار در کشور، و در نظر نگرفتن سرمایه‌گذاری لازم برای ایجاد مراکز فنی- حرفه‌ای و کارآفرینی^۱ یکی از مسائل اساسی جامعه امروز ماست و هرگز نباید مورد غفلت قرار گیرد (شفیع آبادی، ۱۳۸۹: ۱۷).

با توجه به این که اکثر جوانان غالباً به دنبال فرصت‌های شغلی مزد بگیری هستند و اعتماد به نفس لازم برای ریسک‌پذیری را ندارند آموزش کارآفرینی یکی از روش‌های مناسب کاهش معضل بیکاری است (هزار جریبی، ۱۳۸۷: ۱۴).

کارآفرینی فرآیند خلق چیزی نو و با ارزش با صرف وقت و تلاش بسیار و پذیرش ریسک‌های متعدد مالی، روانی و اجتماعی برای بدست آوردن رضایت شخصی، استقلال و منافع مالی است. نقش کارآفرین نوآوری است. ارائه کالایی جدید، گشایش بازاری جدید، یافتن منابع جدید و ایجاد هرگونه تشکیلات جدید در صنعت از فعالیت‌های کارآفرینان است (جهانیان، ۱۳۸۷: ۸۳؛ چیاوی، ۱۳۸۷: ۴).

کارآفرینان همواره به عنوان موتور توسعه اقتصادی مورد توجه اندیشمندان و محققان بوده‌اند تا جایی که کارآفرینی به عنوان یکی از مشخصه‌های اصلی تمایز کشورهای توسعه‌یافته از توسعه‌نیافته مورد توجه قرار گرفته است و مؤسسات تحقیقات بین‌المللی کشورهای توسعه‌یافته را براساس نرخ رشد کارآفرینی مورد مقایسه قرار داده‌اند. بنابراین، آموزش کارآفرینان جوان یک نوع سرمایه‌گذاری برای آینده است زیرا ضمن این آموزش‌ها جوانان از طریق کسب تجربیاتی مثبت می‌توانند تصمیمات بهتری درباره آینده کاری خود اتخاذ کنند و به ایجاد شغل جدید بپردازند این ویژگی با توجه به شرایط فعلی اقتصاد ایران که با نرخ بالای بیکاری، عدم تحرک اقتصادی، محدودیت سرمایه‌گذاری دولت، و وضعیت نابسامان اقتصادی بسیاری از شرکت‌های بزرگ روبروست، بر اساس ساختار نوین اقتصادی که جای ساختار سنتی را گرفته است و ایجاد شغل را جزء وظایف دولت نمی‌داند، و با توجه به وجود منابع طبیعی غنی، سرشار و متنوع در کشورمان که می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات و تنگناها باشد اهمیت مضاعفی دارد (ذبیحی و مقدسی، ۱۳۸۵: ۱۶۰؛ پرداختچی و شفیع‌زاده، ۱۳۸۵: ۵۸؛ اکبری، ۱۳۸۷: ۱۶ و ۳۰؛ هیسریچ و همکاران^۲، ۲۰۰۷: ۵۸۹-۵۷۵).

هدف اصلی دوره‌های آموزش کارآفرینی تربیت افراد متکی به نفس و آگاه به

1 - entrepreneurship

2 - Hisrich

فرصت‌ها و بطور کلی افرادی است که تمایل بیشتری به راه‌اندازی کسب و کار جدید دارند. افرادی که آموزش کارآفرینی می‌بینند باید توانایی مقابله با ریسک‌ها و خطرات ناشی از آن‌ها را در دنیای واقعی کسب کنند. سپس این اهداف کلی در دوره‌های آموزشی به اهداف جزئی‌تر تقسیم می‌شود (ایمانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳۰).

کارآفرینان با متخصصان متفاوتند. آنان در یک زمینه مشخص به اندازه متخصصان برجسته نیستند اما توانایی‌ها و شایستگی‌های هماهنگ‌تری دارند. نتایج پژوهش نشان داده دانش‌آموزان و دانشجویانی که نمرات هماهنگ‌تری در دروس مختلف داشتند بیش از کسانی که نمرات برجسته‌ای در یک یا چند درس داشتند به کارآفرینی رو آوردند. براساس دیدگاه لازار^۱ یک کارآفرین نباید متخصص باشد بلکه باید دانش کافی در گروهی از مهارت‌ها داشته باشد. بنابراین، یکی از اهداف مهم در زمینه آموزش کارآفرینی آموزش مهارت‌های کارآفرینی است (شفیعی و ابراهیمی مند، ۱۳۸۸: ۳۵-۳۴).

برای آموزش مهارت‌های کارآفرینی روش‌های مختلفی وجود دارد که یکی از آن‌ها می‌تواند مشاوره شغلی باشد. مشاوره شغلی به عنوان سنگ بنای مشاوره از اهمیت زیادی برای آموزش مهارت‌های کارآفرینی برخوردار است منتهی نقش آن در جامعه بدرستی شناخته نشده است و غالباً در حد ارائه چند بروشور شغلی یا اجرای آزمون‌های استعدادسنج و رغبت سنج مورد توجه قرار می‌گیرد و در حال حاضر کاربرد نظریه‌های مشاوره شغلی در زمینه آموزش مهارت‌های کارآفرینی کمتر مورد توجه قرار گرفته است (آمونسون و همکاران، ترجمه فیروزبخت، ۱۳۸۹: ۱۴).

پژوهش‌های گالوی^۲ و همکاران (۲۰۰۵: ۱) که اثر بخشی آموزش کارآفرینی را بر افزایش مهارت‌های ارتباطی و مدیریتی کارآفرینی نشان دادند یا تحقیق آیدوگو^۳ و همکاران (۲۰۱۱: ۲۸۸-۲۸۴) که اثربخشی آموزش کارآفرینی را بر افزایش مهارت‌های مدیریتی کارآفرینی دانش‌آموزان تأیید کردند نمونه‌ای از این پژوهش‌هاست که ضمن تأیید تأثیر آموزش بر افزایش مهارت‌های کارآفرینی از بررسی تأثیر روش‌های مشاوره شغلی در این زمینه غفلت کردند. در عین حال، پژوهش فکری و همکاران (۱۳۹۰) که اثربخشی مشاوره شغلی به شیوه الگوی چندمحوری شفیع آبادی را بر افزایش مهارت‌های کارآفرینی زنان سرپرست خانوار تأیید کردند نشان می‌دهد که مشاوره

1. Lazear
2. Galloway
3. Idogho

شغلی به عنوان سنگ بنای مشاوره با تاکید بر همکاری مشاور و مراجع برای مشخص کردن تصمیمات کاری مراجع و به اجرا در آوردن آن تصمیمات و سازگار شدن با آنها و همچنین با تنوع روش‌هایی که پیش روی ما قرار می‌دهد می‌تواند نقش قابل ملاحظه‌ای در آموزش مهارت‌های کار آفرینی داشته باشد.

اما نتیجه‌گیری قطعی در این زمینه نیاز به تحقیقات بیشتر بخصوص تحقیق در زمینه تعیین اثربخشی شیوه‌های متعدد مشاوره شغلی بر افزایش مهارت‌های کارآفرینی دارد و مسلماً مشاوره شغلی زمانی که متناسب با فرهنگ و آداب و رسوم یک جامعه باشد می‌تواند اثربخش‌تر باشد. نظریه گاتفردسون^۱ به بررسی چگونگی رشد آرزوهای شغلی می‌پردازد. این نظریه چهار پیش‌فرض دارد: ۱) فرایند رشد شغلی از دوران کودکی آغاز می‌گردد؛ ۲) آرزوهای شغلی کوششی برای بروز خویش‌پنداری است؛ ۳) رضایت شغلی به میزان هماهنگی شغل با فرد بستگی دارد؛ ۴) افراد قالب‌های فکری درباره مشاغل دارند که بر اساس آن به انتخاب شغل می‌پردازند. گاتفردسون معتقد است خویش‌پنداری نگرش و باوری است که فرد نسبت به خودش دارد. خویش‌پنداری از عوامل بسیار مثل ظاهر، توانایی‌ها، شخصیت، جنسیت، ارزش‌ها، و جایگاه فرد در جامعه تشکیل می‌شود. او خویش‌پنداری را متشکل از خویش‌پنداری اجتماعی (ادراک نشأت گرفته از تحصیلات، پایگاه اجتماعی و جنسیت) و خویش‌پنداری روان‌شناختی (ادراک نشأت گرفته از ارزش‌ها و عوامل شخصی) می‌داند که اولی نقش تعیین‌کننده‌تری نسبت به دومی در انتخاب شغل دارد. زیرا انتخاب شغل موجب می‌شود فرد هویت اجتماعی بدست بیاورد (براون^۲، ۲۰۰۳: ۴۱-۴۰).

بررسی نظریات خارجی موجود در زمینه مشاوره شغلی نشان می‌دهد که نظریه محدودیت و سازش گاتفردسون با تأکید بر خودپندار تشابه زیادی با الگوی چندمحوری شفیع‌آبادی به عنوان تنها الگوی مشاوره شغلی ایرانی دارد و به دلیل تأکید بر نقش جنسیت در انتخاب شغل با فرهنگ ایرانی که هر شغلی را برای زنان مناسب نمی‌داند همخوانی بیشتری دارد، لذا، پژوهش حاضر با هدف رفع خلأهای تحقیقاتی موجود در زمینه اثر بخشی مشاوره شغلی بر افزایش مهارت‌های کارآفرینی به دنبال پاسخگویی به دو سؤال اصلی است: ۱- آیا نظریه محدودیت و سازش گاتفردسون بر افزایش مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان تأثیر دارد؟، ۲- نقاط قوت و ضعف آموزش

1. Gottfredson
2. Brown

مهارت‌های کارآفرینی بر اساس نظریه محدودیت و سازش گاتفردسون از دید شرکت‌کنندگان در دوره آموزشی چیست؟

روش‌شناسی

روش پژوهش ما از نوع نیمه‌آزمایشی با پیش‌آزمون و پس‌آزمون و گروه کنترل است. جامعه آماری ما کلیه دانشجویان علوم انسانی مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران در سال تحصیلی ۹۱-۹۰ بودند. حجم نمونه ۳۰ نفر بود که با روش نمونه‌گیری تصادفی از بین افرادی که نمره کمتری در پرسش‌نامه مهارت‌های کارآفرینی گرفته بودند و داوطلب شرکت در دوره‌های آموزشی بودند انتخاب شد. این ۳۰ نفر بطور تصادفی در دو گروه ۱۵ نفره آزمایش و کنترل جایگزین شدند. سپس هر دو گروه به پرسش‌نامه مهارت‌های کارآفرینی که روایی محتوایی آن از سوی متخصصان خوب ارزیابی شده بود و اعتبارش با اجرا روی ۵۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران از طریق ضریب آلفای کرائباخ ۰/۸۱ محاسبه شد، پاسخ دادند. در مرحله بعد گروه آزمایش ۸ جلسه آموزش کارآفرینی بر اساس مفاهیم بنیادی نظریه گاتفردسون دریافت کردند و در گروه کنترل هیچ مداخله‌ای صورت نگرفت. سرانجام پس‌آزمون برای هر دو گروه اجرا شد و گروه آزمایش علاوه بر آن به فرم نظرسنجی درباره نقاط قوت و ضعف کلاس‌های آموزشی گذرانده شده پاسخ دادند و داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی (فراوانی و درصد فراوانی) و آمار استنباطی (آزمون t مستقل) مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

جدول ۱- فراوانی و درصد فراوانی مهارت‌های کارآفرینی آزمودنی‌ها قبل از اجرای متغیر مستقل

درصد فراوانی		فراوانی		فراوانی
گروه آزمایش	گروه کنترل	گروه آزمایش	گروه کنترل	
۷۳/۳۳	۸۰	۱۱	۱۲	پائین‌تر از متوسط
۱۳/۳۳	۲۰	۲	۳	متوسط
۱۳/۳۴	۰	۲	۰	بالتر از متوسط
۱۰۰	۱۰۰	۱۵	۱۵	مجموع

با توجه به این‌که حداقل نمره پرسشنامه مهارت‌های کارآفرینی ۲۰، حداکثر ۸۰ و نقطه برش ۵۰ تعیین شده است. نمرات کمتر از ۵۰ پایین‌تر از متوسط، نمرات بیشتر از ۵۰ بالاتر از متوسط و نمره ۵۰ به عنوان نمره متوسط در نظر گرفته شده است. همانطور که جداول (۱) نشان می‌دهند قبل از اجرای جلسات آموزشی مبتنی بر نظریه محدودیت

و سازش گاتفردسون ۷۳/۳۳٪. نمرات مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان گروه آزمایش پایین‌تر از حد متوسط، ۱۳/۳۳٪ متوسط، و ۱۳/۳۴٪ بالاتر از حد متوسط است.

جدول ۲- فراوانی و درصد فراوانی مهارت‌های کارآفرینی آزمودنی‌ها بعد از اجرای متغیر مستقل

درصد فراوانی		فراوانی		فراوانی
گروه آزمایش	گروه کنترل	گروه آزمایش	گروه کنترل	
۰	۸۰	۰	۱۲	پائین‌تر از متوسط
۶/۶۷	۶/۶۷	۱	۱	متوسط
۹۳/۳۳	۱۳/۳۳	۱۴	۲	بالاتر از متوسط
۱۰۰	۱۰۰	۱۵	۱۵	مجموع

همان‌طور که جداول (۲) نشان می‌دهند بعد از اجرای جلسات آموزشی مبتنی بر نظریه محدودیت و سازش گاتفردسون ۶/۶۷٪ نمرات مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان گروه آزمایش متوسط و ۹۳/۳۳٪ بالاتر از حد متوسط است و نمره پایین‌تر از متوسط وجود ندارد.

جدول ۳- نتیجه آزمون t مستقل برای بررسی تفاوت نمرات مهارت‌های کارآفرینی گروه آزمایش و کنترل قبل از اجرای متغیر مستقل

گروه	تعداد	درجه آزادی	مقدار t	سطح معناداری
کنترل	۱۵	۲۸	۰/۲۹۷	۰/۷۶۸
آزمایش	۱۵			

همان‌طور که جدول (۳) نشان می‌دهد ($p=0.768 > 0.05$). لذا، فرض تحقیق رد و فرض صفر پذیرفته می‌شود، یعنی بین نمرات مهارت‌های کارآفرینی گروه آزمایش و کنترل قبل از اجرای متغیر مستقل تفاوت معنادار وجود نداشته است.

۱۰۰ فصل نامه مهارت آموزی

جدول ۴- نتیجه آزمون t مستقل برای بررسی تفاوت نمرات مهارت‌های کارآفرینی گروه آزمایش و کنترل بعد از اجرای متغیر مستقل

گروه	بخش	تعداد	نتیجه آزمون لوین	درجه آزادی	مقدار t	سطح معناداری
کنترل	کل آزمون	۱۵	۰/۵۱۸	۲۸	۷/۷۲۹	۰/۰۰۰
		۱۵				
کنترل	خرده مقیاس مهارت‌های فردی	۱۵	۰/۸۱۴	۲۸	۸/۳۸۹	۰/۰۰۰
		۱۵				
کنترل	خرده مقیاس مهارت‌های بین فردی	۱۵	۰/۴۲۰	۲۸	۹/۳۵۳	۰/۰۰۰
		۱۵				
کنترل	خرده مقیاس مهارت‌های فکری	۱۵	۰/۶۵۴	۲۸	۴/۵۲۵	۰/۰۰۰
		۱۵				
کنترل	خرده مقیاس مهارت‌های کاربردی	۱۵	۰/۱۸۳	۲۸	۰/۳۰۸	۰/۷۶۰
		۱۵				

همان‌طور که جدول (۴) نشان می‌دهد، با توجه به نتایج آزمون لوین و یکسان بودن واریانس‌ها می‌توان از آزمون t استفاده کرد. نتایج آزمون t نیز نشان می‌دهد بین نمرات کل مهارت‌های کارآفرینی و خرده‌مقیاس‌های فردی، بین فردی و فکری مهارت‌های کارآفرینی در گروه آزمایش و کنترل بعد از اجرای متغیر مستقل تفاوت معنادار وجود دارد ($p = 0/000 < 0/05$). اما بین نمره خرده‌مقیاس مهارت‌های کاربردی کارآفرینی در گروه آزمایش و کنترل بعد از اجرای متغیر مستقل تفاوت معنادار وجود ندارد ($p = 0/760 > 0/05$).

جدول ۵ - نتایج فرم نظرسنجی درباره نقاط مثبت و منفی آموزش مهارت‌های کارآفرینی بر اساس نظریه گاتفردسون از دید شرکت‌کنندگان در دوره آموزشی

نوع تمرینات	اثربخشی از دید شرکت‌کنندگان	خیلی زیاد	زیاد	کم	خیلی کم
تمرینات مبنی بر کل نظریه		٪۴۰	٪۵۳/۳۳	٪۶/۶۷	-
تمرینات مبنی بر تقویت خود پنداره اجتماعی		٪۱۳/۳۳	٪۸۶/۶۷	-	-
تمرینات مبنی بر تقویت خود پنداره روان شناختی		٪۲۰	٪۷۳/۳۳	٪۶/۶۷	-

همان‌طور که جدول (۵) نشان می‌دهد ۵۳/۳۳٪ آزمودنی‌ها اثربخشی این الگو را در آموزش کارآفرینی زیاد و ۴۰٪ خیلی زیاد می‌دانند، و ۶/۶۷٪ آن را در آموزش کارآفرینی کم‌اثر دانسته‌اند. همچنین ۸۶/۶۷٪ آزمودنی‌ها اثربخشی تمرین‌های مرتبط با مفهوم خودپنداره اجتماعی، و ۷۳/۳۳٪ آزمودنی‌ها اثربخشی تمرین‌های مرتبط با مفهوم خودپنداره روان‌شناختی را در آموزش کارآفرینی زیاد و ۱۳/۳۳٪ آزمودنی‌ها اثربخشی تمرین‌های مرتبط با مفهوم خودپنداره اجتماعی، و ۲۰٪ آزمودنی‌ها اثربخشی تمرین‌های مرتبط با مفهوم خودپنداره روان‌شناختی را در آموزش کارآفرینی خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند. ۶/۶۷٪ هم تمرین‌های مرتبط با مفهوم خودپنداره روان‌شناختی را در آموزش کارآفرینی کم‌اثر دانسته‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که نظریه محدودیت و سازش گاتفردسون با تأکید بر مفهوم خودپنداره به ویژه خودپنداره اجتماعی نقش قابل ملاحظه‌ای در آموزش مهارت‌های کارآفرینی به خصوص سه خرده‌مقیاس مهارت‌های فردی، بین فردی، و فکری دارد. این نتایج با پژوهش فکری و همکاران (۱۳۹۱) تحت عنوان بررسی اثربخشی مشاوره شغلی به شیوه الگوی چندمحوری شفیع آبادی بر افزایش مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان و پژوهش‌های گالوی و همکاران (۲۰۰۵) و آیدوگو و همکاران (۲۰۱۱) که اثربخشی آموزش را بر افزایش مهارت‌های ارتباطی و مدیریتی کارآفرینی نشان دادند همخوان است. عدم اثربخشی نظریه مذکور بر افزایش خرده‌مقیاس مهارت‌های کاربردی از خرده‌مقیاس‌های ۴ گانه مهارت‌های کارآفرینی را که با نتایج پژوهش فکری و همکاران (۱۳۹۰) ناهمخوان است نیز می‌توان به ماهیت مهارت‌های کاربردی و کافی نبودن تقویت خودپنداره فردی و اجتماعی برای افزایش این گروه از مهارت‌ها نسبت داد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود مشاوره شغلی به شیوه نظریه محدودیت و سازش گاتفردسون برای تقویت مهارت‌های کارآفرینی و در نتیجه خودکفایی جوانان جویای کار برای ایجاد شغل جدید به کار گرفته شود، تمرینات مبتنی بر مفاهیم بنیادی سایر نظریه‌های مشاوره شغلی مثل الگوی چندمحوری شفیع آبادی که اثربخشی خود را بر افزایش مهارت‌های کاربردی کارآفرینی در تحقیقات نشان داده به تمرینات دوره آموزشی مذکور اضافه شود، و برای انجام تمرینات مبتنی بر تقویت خودپنداره اجتماعی که بیش از تمرینات مبتنی بر تقویت خودپنداره روان‌شناختی مورد توجه شرکت‌کنندگان دوره آموزشی قرار گرفته وقت و انرژی بیشتری صرف شود.

منابع

- آمونسون، ن. ا.، بولسی، ج. ه.، و نایلز، ا. ج. (۱۳۸۹). مشاوره شغلی: فرایند و فنون، ترجمه مهرداد فیروز بخت. تهران: ویرایش.
- اکبری، ح. ا. (۱۳۸۳). نقش والدین در بسترسازی برای آینده شغلی کودکان، مجموعه مقالات اولین همایش نقش راهنمایی و مشاوره شغلی در بازار کار. تهران: انتشارات استاد ملبولی.
- ایمانی، م. ن.، آذرخش، ت.، و عاشقی، م. (۱۳۸۸). کارآفرینی. تهران: فرهنگ سبز.
- پرداختچی، م. ح.، و شفیع زاده، ح. (۱۳۸۵). درآمدی بر کارآفرینی سازمانی. تهران: ارسباران.
- جهانیان، م. (۱۳۸۶). کارآفرینی فنی و حرفه‌ای. تهران: علوم معروف.
- جیوایی، ف. (۱۳۸۷). کارآفرینی. تهران: دانش پرور.
- ذبیحی، م. ر.، و مقدسی، ع. (۱۳۸۵). کارآفرینی از تئوری تا عمل. مشهد: جهان فردا و نما.
- شفیع آبادی، ع. (۱۳۸۹). جوان و اشتغال. مجموعه مقالات نهمین سمینار انجمن مشاوره ایران، تهران: دیرین نگار.
- شفیعی، ا.، و ابراهیمی مند، م. (۱۳۸۸). کارآفرینی. مشهد: مرندیز.
- فکری، ک.، شفیع آبادی، ع.، نورانی پور، ر. ا.، و احقر، ق. (۱۳۹۰). توانمندسازی زنان سرپرست خانوار از راه آموزش مهارت‌های کارآفرینی (با طراحی جلسات مشاوره شغلی براساس الگوی چند محوری شفیع آبادی)، همایش ملی زنان سرپرست خانوار، دانشگاه شهید بهشتی.
- هزار جریبی، ج. (۱۳۸۷). کارآفرینی. تهران: پژوهشکده امور اقتصادی.
- Ahola, K. (2005). Relationship between job-related burnout and depressive disorders- results from Finnish Health 2000 Study. *Journal of Affective Disorders*, 88(1), 55-62.
- Broom, D. H., et al. (2006). The lesser evil: Bad jobs or unemployment? A survey of mid-aged Australians. *Journal of Social Science & Medicine*, 63(3), 575-586.
- Brown, D. (2003). Career information, career counseling and career development. N.Y: Pearson Sducation Inc.
- Galloway, L., Anderson, M., Brown, W., & Wilson, L. (2005). Entrepriuse skill for the economy. *Education & Training Journal*, 47, 1.
- Griffin, J. M. (2007). The effect of self-reported and observed job conditions on depression and anxiety symptoms: A comparison of theoretical models. *Journal of Occupational Health Psychology*, 12(4), 334- 349.
- Hisrich, R., & et al. (2007). Entrepreneurship research and practice: A call to action for psychology. *Journal of American Psychologist*, 62(6), 575-589.
- Idogho, P. O., et al. (2011). Entrepreneurship education and small-scale business management skill development among students of Auchu Polytechnic Auchu, Edo state, Nigeria. *International Journal of Business and Management*, 6(3), 284-288.
- Kim, H., & et al. (2006). The relationship between nonstandard working and mental health in a representative sample of the South Korean population. *Social Science & Medicine*, 63(3), 566-574.
- Lee, M. S. M., et al. (2009). Relationship between mental health and job satisfaction among employees in a medical center department of laboratory medicine. *Journal of the Formosan Medical Association*, 108(2), 146-154.